

کلید گم‌شده امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی

(مطالعه سکونتگاه غیررسمی دولت‌آباد کرمانشاه)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۴

نویسندگان

فاتح توانگر*

مدرس دانشگاه پیام نور سرپل‌ذهاب و دانشگاه آزاد قصرشیرین، کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، hawzhin.ft@gmail.com
۰۹۱۸۷۳۴۰۱۴۴

سید رامین قاسمی

کارشناس ارشد رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، qasemi_sr@yahoo.com
۰۸۳۱۴۲۱۶۱۴۳

نادر رجبی گیلان

کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، rajabi_nader@yahoo.com
۰۸۳۱۴۲۱۶۱۴۳

حمید خرمی‌راد

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مرکز آموزشی توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری سرپل‌ذهاب hamid.khoramirad@gmail.com
۰۹۱۸۳۳۴۹۳۴۵

* نویسنده مسئول

چکیده

هدف: ارتقای امنیت اجتماعی و راهکارهای آن به شکل خاص در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف این تحقیق است. بر این اساس به دنبال شناسایی کامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در این مناطق هستیم تا از این طریق به چگونگی امنیت اجتماعی در این سکونتگاه‌های شهری پی ببریم.

روش: روش پیش برنده اصلی در این تحقیق روش کیفی است. در این تحقیق از ابزارهای روشی متنوعی همچون مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده میدان تحقیق، مصاحبه انفرادی و از همه مهم‌تر مصاحبه‌های گروهی بهره گرفته شده است. ۹ گروه تحقیق ناهمگون با ۸-۱۰ نفر از ساکنان سکونتگاه دولت‌آباد کرمانشاه تشکیل شد که با این ۹ گروه تحقیق به اشباع نظری رسید.

یافته‌ها: بیانگر آن است که سکونتگاه مذکور در دهه‌های قبل (منظور قبل از دهه ۸۰ است که طرح توانمندسازی اجرا شد) در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فضایی - کالبدی، اجتماعی و فرهنگی (عوامل بنیادی) دارای نارسایی‌ها و کمبودهایی بوده است که بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی آثار منفی داشته است. تغییر در این عوامل بنیادی تحت تحولات صورت گرفته ناشی از توانمندسازی در این منطقه دارای اثرات مثبتی بر روی متغیرهای امنیتی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری: توانمندسازی همه جانبه در سکونتگاه‌های غیررسمی با اصلاح کژکارکردهای منتج از شرایط حاکم بر این سکونتگاه‌ها مرتبط است. توانمندسازی در این مناطق تأثیر خطی و جمع شونده بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی ندارد بلکه دارای تأثیر هم‌افزاینده و مارپیچی مثبت است. توانمندسازی کلید گم‌شده امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی است.

Lost Key of Social Security in Informal Settlement

(study of Dawlatabbad informal settlement of Kermanshah)

Study Type: Original
Received: 23 May 2014
Accepted: 14 Jun 2014

Keywords

Informal settlement

Social security

Empowerment

Kermanshah

Dawlatabbad

Abstract

Objective: The objective of this research is Improving social security and its solutions particularly in Informal Settlements. Accordingly, we are seeking to understand All structures of cultural, social, economic and spatial in this area, until In this way, we find Achilles heel of social security in urban settlements.

Method: Case study in this research is Dawlatabbad informal settlement in Kermanshah that empowerment project Has been implemented. The method used in this study is a qualitative research. In this way, a variety of research tools such as library and archival research, field observation, interview and more importantly group interview have been used. 9 research groups with 8-10 uneven settlements of Dawlatabbad Kermanshah residents formed a research group and with nine group we are reached theoretical saturation. Building bridges between these factors and Evolution

Findings: Dawlatabbad informal settlement has shortcomings in spheres of economy, environment, spatial and social that have impact on Social Security. (Before 80 decades that empowerment design has not performed). Building bridges between these factors and changes have taken place as empowerment have significant effects on social security variables.

Conclusion: Total empowerments in informal settlement related with societal security malfunction. Empowerment in this region hasn't liner and cumulative impact but has positive spiral and synergic impact. Empowerment is lost key of societal security in informal settlement.

Authors

Fateh Tavangar*

MSc in Social Welfare planning, Social Development & Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
hawzhin.ft@gmail.com
09187340144

Seyed ramin Ghasemi

MSc in Social Welfare, Social Development & Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.
qasemi_sr@yahoo.com
+98 831 4216143

Nader Rajabi Gilan

MSc in Social Research, Social Development & Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.
rajabi_nader@yahoo.com
+98 831 4216143

Hamid Khoramirad

MSc in history and philosophy of Education, Sarpolezahab Center for Learning Disorders,
hamid.khoramirad@gmail.com
Tel:09183349345

* Corresponding Author

Please cite this article as follows:

Tavangar F, Ghasemi S, Rajabi Gilani R, Khoramirad H. Lost key of societal security in informal settlement. Quarterly Journal of Social Work. 2014; 3 (1):16-26

مقدمه

شهرهای ایران و به ویژه کلان شهرها مملو از ناامنی است که حاصل دسترسی پذیری متفاوت به منابع و امکانات شهری و رفاهی است. در مناطق حاشیه نشین شهری به دلیل حاکمیت شرایط فرهنگی برزخ گونه بین فرهنگ روستایی - شهری و نبود وسایل و شرایط پایه‌ای جهت نیل به اهداف و طرد شدن ساکنین آن‌ها از بسیاری از حوزه‌های شهروندی، بحران ناامنی اجتماعی بیشتر محسوس است. مناطق حاشیه‌نشین شهری از جمله مستعدترین مکان‌های شهری برای بروز ناامنی اجتماعی است. آنچه در این بین اهمیت دارد این است که همواره نوعی پیش‌داوری و نگاه پوزیتیویستی در مواجهه با مسئله ناامنی اجتماعی در این مناطق بر مسئولین شهری و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی غالب بوده است و همین امر زمینه را برای اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای بسیار عقیم در این سکونتگاه‌ها فراهم کرده که به عنوان نمونه می‌توان به تخریب منطقه خاک سفید تهران و یا محله چمن در کرمانشاه اشاره نمود. اتخاذ رویکردهای سفت و سختی همچون جابجایی و تخلیه اجباری اثرات دراز مدت مثبتی بر روی امنیت اجتماعی نخواهد داشت، بلکه به دلیل حذف سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی قبلی که در این مناطق وجود داشته است، به ناامن شدن بیشتر جامعه دامن خواهد زد. حل مسئله ناامنی در سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند تحلیل و شناسایی دقیق عوامل ناامن کننده در این مناطق و سیاست گذاری‌های ملی و محلی برای رفع آن‌ها است. در کنار سیاست‌هایی همچون تخریب و جابه‌جایی، از ابتدای دهه ۸۰ رویکرد توانمندسازی در قبال این سکونتگاه‌ها اتخاذ شد که می‌توان آن را نقطه عطفی در سیاست گذاری و برنامه ریزی‌های شهری و رفاهی در این مناطق دانست. با توجه به توضیحات فوق اهمیت اقدامات توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر جلب توجه می‌کند. متمرکز شدن بر روی مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی کالبدی در این سکونتگاه‌ها، پیامدهای اثربخشی بر روی امنیت اجتماعی در این مناطق و حتی کل شهر دارد. چنین اقداماتی نوعی پیشگیری از مسئله و کاهش هزینه‌های اقدامات پلیسی جهت برقراری امنیت اجتماعی می‌باشد. چشم انداز آتی امنیت اجتماعی، چشم اندازی مبتنی بر علت یابی خواهد بود که در آن با بررسی علل جرم و ناامنی، سعی در حل ریشه‌ای موضوع امنیت در شهرها خواهد نمود.

مرور متون و رویکرد تحلیلی: این بخش خود به سه قسمت مجزا تقسیم می‌شود که هر قسمت دربرگیرنده متغیرهای مورد نظر تحقیق است. امنیت اجتماعی که متغیر پذیرنده یا وابسته تحقیق است، در بخش اول معرفی می‌شود. در قسمت دوم بحث مختصری از توانمندسازی (متغیر فعال یا مستقل) و وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته می‌شود و در نهایت در قسمت آخر در سطح نظری این گزاره‌ها به هم

مربوط می‌شوند.

امنیت اجتماعی: اصطلاح امنیت اجتماعی نخستین بار توسط باری بوزان به کار گرفته شد و اساساً بر حول محور هویت و تهدیدات هویتی می‌چرخید. بوزان معتقد بود که بقا و دوام هر جامعه منوط به حفظ هویت آن جامعه می‌باشد و هر عاملی که بتواند هویت اجتماعی افراد را به چالش بکشد، به عنوان تهدید امنیت اجتماعی محسوب می‌شود. ارائه تعریفی از خود بوزان در این مورد مفید به نظر می‌رسد: «امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است».

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران از جمله (کلاهیچیان، ۱۳۸۴) امنیت اجتماعی محصول و برساخته اجتماعی است. در رویکردهای نوین از امنیت اجتماعی سخن به میان می‌آید و نشان دهنده شکل‌گیری آن در بطن جامعه و روابط ساختاری و غیرساختاری حاکم بر آن می‌باشد. این یک تحول مفهومی از امنیت می‌باشد، زیرا سال‌ها بر رویکردهای سفت و سخت در ایجاد امنیت تأکید می‌شد و برقراری امنیت را صرفاً حاصل فعالیت‌های قهر آمیز پلیسی در سطح جامعه می‌دانستند. جهت تفکیک دقیق‌تر و ارائه بحث منسجم‌تر از امنیت اجتماعی در راستای این کار تحقیقی به رویکردهایی که درباره آن وجود دارد اشاره خواهیم کرد.

در مورد امنیت اجتماعی دو رهیافت کلی وجود دارد، رهیافت هویت محور و قدرت محور. رهیافت قدرت محور (رویکرد سلبی) به جای تأکید بر هویت، به صیانت مردم در مقابل تهدیدات زیان بخش و مخاطره نیتادن حقوق انسانی توجه دارد، این رهیافت پوزیتیویستی است. بنابراین امنیت اجتماعی شامل دو بخش است که در عین حال مکمل یکدیگرند، ولی از تقدم زمانی برخوردارند، در واقع امنیت اجتماعی در وهله اول باید زندگی افراد را تضمین نموده و خطراتی که امکان زندگی اعضای یک جامعه را به

مخاطره می‌اندازد، از میان ببرد و در وهله دوم کمر به حفظ راه و روش زندگی آن‌ها ببندد (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

سکونتگاه‌های غیررسمی و توانمندسازی

در آغاز قرن بیست و یکم، از جمعیت بیش از ۶ میلیارد نفری جهان، بیش از ۵۰ درصد در نواحی شهری زندگی می‌کنند که عمدتاً با تمرکز در شهرهای میلیونی همراه است. از سوی دیگر آمار و ارقام از بدتر شدن شرایط فقر در جهان حکایت دارد (هیتات، ۲۰۰۳: ۳۶). مرکز اسکان بشر ملل متحد در گزارشی تحت عنوان «چالش سکونتگاه‌های غیررسمی»، با اشاره به سکونت یک میلیارد نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی جهان، این محلات را نمود فضایی و کالبدی فقر و نابرابری تمرکز یافته در شهرها دانست (همان: ۲۶). همچنین در گزارش سال ۲۰۰۸ خود بیان می‌دارد که بیش از یک سوم جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه در سکونتگاه‌های غیررسمی به سر می‌برند (هیتات، ۲۰۰۸). آمارها در ایران نیز نگران کننده است، به طوری که حدود ۲۵ درصد از افراد شهری در چنین سکونتگاه‌هایی که بیانگر بدترین نوع اسکان است، روزگار می‌گذرانند (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶: ۲۰۹). با توجه به گستردگی حاشیه نشینی در سطح جهان و نیز در ایران در ادامه به توصیف و تبیین این پدیده و نیز تشریح نظریه‌های امیل دورکیم، رابرت مرتن و لی و همکارانش درباره عوامل شکل دهنده حالت‌های آنومیک و ناامن کننده به ویژه در این مناطق می‌پردازیم. این گشایش نظری درباره امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی ارتباط وثیقی با طرح‌های توانمندسازی و بهسازی در این مناطق خواهد داشت، به عبارت دقیق‌تر، توانمندسازی نسخه تجویزی امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی شهری از جمله چهار شاخص اصلی

در طرح‌های توانمندسازی محسوب می‌شوند.

مفهوم توانمندی (قابلیت) اولین بار توسط پرفسور آمارتیا سن (۱۹۸۵) برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۸ مطرح گردید. سن قابلیت یا توانایی را به معنای آنچه که واقعاً مردم قادر به انجام دادن آن هستند تعبیر می‌کند. بنابراین «چه بودن» و «چه کردن» انسان‌ها اهمیت محوری ندارد، آنچه اهمیت دارد توانائی بالقوه افراد است برای انتخاب متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند. به عبارت بهتر وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد باید محصول یک انتخاب باشد نه اجبار (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴: ۱۲). توانمندسازی مفهومی است که در بطن معنایی خود با مفاهیم دیگری همچون خودیاری، مشارکت، داشتن حق حاکمیت و همکاری‌های شبکه‌ای عجین شده است. توانمندسازی فرآیندی است که به باز توزیع منابع و قدرت جهت یاری رساندن به فقرا و آن‌ها که از چرخه‌های پیشرفت بازمانده‌اند، یاری می‌رساند. توانمندسازی با تغییر ماهیت ذهنی بی‌قدرتی در افرادی که از چرخه‌های حرکت و تعالی جای مانده‌اند، چشم انداز جدیدی را در برابر آن‌ها می‌گشاید که به رشد شناخت و تأثیر گذاری آن‌ها کمک می‌نماید (مالهاترا، ۲۰۰۲: ۵ و فارست، ۱۹۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۲).

امنیت اجتماعی و سکونتگاه‌های غیررسمی: دورکیم از جمله نظریه پردازانی است که در مورد حالت‌های گذار از جوامع مکانیکی به ارگانیکی و به هم ریختن نظم اجتماعی قبلی در این جوامع بحث نموده است. آنچه که از گفته‌های دورکیم به ویژه کتاب «تقسیم کار» برداشت می‌شود، از دست رفتن هنجارهای مشروعیت بخش گذشته در جوامع در حال گذار و عدم جایگزینی آن‌ها با هنجارهای جایگزین است. به عبارت بهتر، «فقدان کدهای اخلاقی» تهدیدی برای ثبات و امنیت اجتماعی جوامع است (کوثری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۸: ۴۵). رابرت مرتن در مورد عوامل ناامن کننده جوامع نه به فقدان کدهای هنجار بخش در جوامع، بلکه به «عدم تناسب هنجاری» اشاره می‌نماید (عدم تناسب هنجاری به وضوح در سکونتگاه‌های غیررسمی قابل رؤیت است). از نظر او آنومی و بروز رفتارهای ناامن کننده جامعه وقتی است که هنجارهای اجتماعی (همان ابزارها در نظریه مرتن) برای دستیابی به اهداف (ارزش‌ها) تشویق شده توسط جامعه کارایی ندارند (همان: ۴۱-۴۳). مدل «سیستم بلوک‌های مرتب» لی و همکارانش نیز از جهت تبیین ناامنی اجتماعی و به ویژه در سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری نیز حائز اهمیت بسیاری است. «سیستم بلوک‌های مرتب» از سه بلوک تشکیل شده است که هر بلوک نتیجه بلوک قبلی و اثر گذار بر بلوک بعدی است. بلوک اول «پایگاه اجتماعی-اقتصادی» نامیده می‌شود و نشانگر محرومیت مطلق و نسبی افراد و نیز ناسازگاری منزلتی آن‌ها در این بلوک است. بلوک دوم «بی‌ثباتی اجتماعی» است که با ناخشنودی، بی‌اعتمادی و بدبینی مشخص می‌شود. بلوک سوم نیز «واکنش سیستم» است که شکل‌گیری رفتارهای

آنومیک و ناامن شدن جامعه در همین بلوک قرار دارد که خود نتیجه بلوک‌های قبلی است (همان: ۵۰-۵۴).

نظریه‌های دورکیم، مرتن و لی به دلیل توصیف دقیق از شرایط ناامن کننده در جوامع به ویژه در مورد مناطق حاشیه نشین شهری، کارایی زیادی دارند. به این دلیل که حاشیه نشینان شهری از ابعاد مختلف زندگی یعنی کالبدی (مسکن ناهنجار و فضاهای نامناسب شهری)، خدمات اجتماعی و فرهنگی (رفتار اجتماعی جدا از جامعه شهری) و اقتصادی (اشتغال و درآمد) متمایز می‌شوند. نبود وسایل کارکردی در جهت دستیابی به اهداف زمینه را برای انتخاب وسایل غیر مشروع و غیرقانونی در میان این افراد فراهم می‌کند و اتخاذ هر سیاستی برای پایه گذاری امنیت اجتماعی در این سکونتگاه‌ها بایستی برآورده کردن نیازهای پایه‌ای و وسایل کارکردی برای دستیابی به اهداف را در نظر داشته باشد.

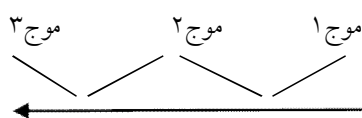
حاشیه نشینی در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنای اشتغال در بخش غیررسمی و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را به دنبال دارد (نقدی، ۱۳۸۵: ۲۲۳). حاشیه نشینی پدیده‌ای درهم تنیده و پیچیده از مسائل اجتماعی است که ناکارآمدی اقتصادی بخشی از آن است و صورت‌های مخرب‌تری همچون تنش‌های هویتی - فرهنگی را در بر می‌گیرد. همان‌طور که صدیق سروستانی (۱۳۷۶) بیان می‌دارد: «حاشیه نشین به دو نظام فرهنگی (روستایی و شهری) وابسته است و در عین حال به هیچ یک تعلق و تمایل ندارد. در حاشیه بودن به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه

بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود» (به نقل از نقدی، ۱۳۸۵: ۲۲۸). علاوه بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اسکان غیررسمی را می‌توان مشمول استبداد فضا دانست، زیرا در اسکان غیررسمی نه تنها شرایط تاریخی و اجتماعی و اقتصادی، بلکه شرایط موجود جغرافیایی یا فضا مانع دستیابی ساکنان به حقوق اجتماعی، فعالیت‌های متنوع اقتصادی، تحصیلات مناسب و غیره می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۱: ۲۷). در مجموع می‌توان بیان کرد که حیات حاشیه‌نشینان در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی آمیخته با ناکارآمدی است که زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای ناهنجار و ناامن شدن جامعه فراهم می‌کند. خروج از چرخه‌های فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر اجتماعی و فقر فضایی به یک راهکار جامع و مشارکتی نیازمند است. حرکت تدریجی برای خروج از چرخه‌های مذکور، بر امنیت اجتماعی که محصول همین چرخه‌ها است، تأثیرات قابل توجهی خواهد گذاشت.

روش

روش تلفیقی با اولویت و محوریت روش کیفی در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقیق کمی و کیفی در اینجا به منظور بدست آوردن تصویر کلی تر از موضوع مورد مطالعه با یکدیگر تلفیق می‌شود. در زمینه چگونگی تلفیق این دو روش، حالت دوم از چهار الگوی روش شناختی مایلز و هوبرمن در مورد روش‌های ترکیبی، بسیار نزدیک به شیوه اتخاذ شده برای انجام پژوهش در این تحقیق می‌باشد. در این حالت مشاهدات مستمر میدانی و انجام پیش مصاحبه اولیه، زمینه را برای موج‌های پیمایش کمی فراهم می‌کند. در این تحقیق این موج‌ها از طریق روش پیمایشی و استفاده از دو ابزار مهم در پیمایش یعنی مصاحبه‌های انفرادی و پرسشنامه ساختمان استفاده می‌شود. کار اصلی و پیشبرد تحقیق در اصل متکی به روش کیفی است که موج‌های روش کمی تنها به غنای آن کمک می‌کند و نه اینکه کار کمی مستقلی مطرح باشد (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۰). در پرسشنامه بیشتر از همه بر روی تغییرات در شاخص‌های امنیت اجتماعی و عوامل کلی اثرگذار بر آن تأکید می‌شود. در اینجا بر روی مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اجتماعی یعنی امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت هویت، امنیت ناموسی تأکید شده است.

ابزار پژوهش: ابزار پیشبرد روش کیفی، مصاحبه گروهی است و جامعه آماری کلیه افراد بالای ۲۴ سال است که



قبل از سال ۱۳۸۴ تاکنون در منطقه دولت آباد ساکن بوده‌اند. مصاحبه‌ها حول محور روند تغییرات در چهار حوزه توانمندسازی یعنی توانمند شدن اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی کالبدی و نیز تغییرات در شاخص‌های

امنیت اجتماعی در طی ۶-۷ سال گذشته که طرح توانمندسازی در این منطقه شروع شده است، خواهد چرخید. تعداد نمونه‌های تحقیقی هشت گروه است و تعداد افراد هر گروه متغیر بین شش تا نه نفر و متناسب با شرایط و امکانات برای امکان انجام مصاحبه

می‌باشد. دامنه نمونه گیری در روش‌های کیفی تا حدی است که به اشباع نظری برسیم و اشباع نظری در اینجا به این معنا است که بر اثر مصاحبه‌های گروهی و انفرادی متعدد در مورد موضوع اصلی پژوهش و فرضیه‌های تدوین شده اطلاعات دیگری حاصل نشود (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۹). متغیر مستقل در این تحقیق، توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی است و متغیر وابسته، امنیت اجتماعی می‌باشد.

یافته‌ها

با توجه به انتخاب روش‌های ترکیبی برای انجام این تحقیق، یافته‌های حاصل شده نیز به صورت تلفیقی ارائه می‌شود. بخشی از یافته‌ها بر اساس مطالعات اسنادی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه با مسئولین دبیرخانه توانمندسازی است و قسمت مهم‌تر آن به کارهای میدانی در سکونتگاه دولت آباد مربوط می‌شود. جهت نظم دهی منطقی به دستاوردهای تحقیق، روند تغییرات توانمندسازی در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی کالبدی-فضایی و روند تغییرات در امنیت اجتماعی در چهار شاخص امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت ناموسی و امنیت هویت بررسی می‌شود. در دسته‌بندی موضوعی زیر، سعی شده به ارتباط میان متغیر مستقل و وابسته بر اساس فرضیه‌های مطرح شده در این تحقیق پاسخ داده شود.

سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه و تشریح پروژه توانمندسازی: در کرمانشاه ۱۳ سکونتگاه غیررسمی شناسایی شده است که عبارتند از: صادقیه، جعفر آباد، شاطر آباد، چقاگلان، نوکان، چقاکیود، باغ ابریشم، حکمت آباد، آناهیتا (شهید باهنر)، دولت آباد، وکیل آباد (کولی آباد)، چمن و دره‌دراز. سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه به سه شکل متفاوت گسترش یافته‌اند؛ سکونتگاه‌هایی مانند دولت آباد، جعفر آباد، کولی آباد و زورآباد از قبل وجود نداشته‌اند. نوع دوم، روستاهای واقع در محدوده شهر، به ویژه در مبادی شهر بودند که به تدریج تبدیل به نواحی مهاجرنشین شدند؛ نوکان در ورودی شمال غربی شهر از محور بیستون، چقاکیود در محور سنندج و چقاگلان در شرق شهر از جمله این روستاها می‌باشند. نوع دیگر این سکونتگاه‌ها، بافت‌های فرسوده مرکز شهر می‌باشد که به دلیل ارزانی زمین و ساختمان، مقصد مناسبی برای مهاجران بوده و بافت‌های متداخلی با ساکنان قبلی این مناطق به وجود آورده است (مطالعات توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرمانشاه، ۱۳۸۳: ۷). ۱۳ سکونتگاه مذکور در سال ۱۳۸۲ بیش از ۲۷۰ هزار نفر یعنی حدود ۳۶ درصد از جمعیت کرمانشاه را تشکیل می‌دهند و مساحت کلی این سکونتگاه‌ها ۷۳۹ هکتار می‌باشد. ۸۰ درصد از سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه در داخل محدوده شهرها قرار دارند. آخرین آمار که توسط دبیرخانه توانمندسازی کشور در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است، حکایت از آن دارد که جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه به رقم ۳۹ درصد هم رسیده است که نشان دهنده وضعیت بحرانی سکونتگاه‌های غیررسمی در کرمانشاه می‌باشد. شهر کرمانشاه دومین شهر کشور بعد از سنندج (سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور، ۱۳۸۴) از حیث درصد جمعیت ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد و در شروع مطالعات اولیه سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران به عنوان یکی از شهرهای پیلوت جهت اجرای طرح‌های توانمندسازی برگزیده شد. از میان ۱۳ سکونتگاه نام

برده شده در کرمانشاه، چهار سکونتگاه جعفر آباد، شاطر آباد، دولت آباد و کولی آباد که بزرگ‌ترین سکونتگاه‌های غیررسمی کرمانشاه نیز می‌باشند جهت انجام پروژه‌های توانمندسازی انتخاب شدند. همان‌طور که در این جدول مشخص است میزان تراکم ناخالص در دولت آباد کمتر از سایر سکونتگاه‌های هدف می‌باشد و این خود حکایت از وضعیت بهتر تراکمی در دولت آباد دارد. چند دلیل مشخص برای انتخاب این سکونتگاه وجود

جدول ویژگی‌های جمعیتی و مساحت محلات هدف

نام محله	جمعیت	مساحت	تراکم ناخالص (نفر در هکتار)	سهم از کل جمعیت محلات دارای اسکان غیر متعارف (درصد)
شاطر آباد	۵۷۱۷۳	۱۲۹/۵	۴۴۱/۵	۲۹/۲
کولی آباد	۳۲۹۷۶	۷۰/۸۳	۴۶۵/۵	۱۶/۹
دولت آباد	۴۴۰۹۵	۱۱۲/۷۶	۳۹۱/۵	۲۲/۵
جعفر آباد	۶۱۴۵۵	۱۲۱/۰۵	۵۰۷/۹	۳۱/۴
کل	۱۹۵۶۹۹	۴۳۴/۰۹	۴۵۰/۸	۱۰۰

منبع: دبیرخانه توانمندسازی کشور، ۱۳۸۵

دارد:

۱. اجرای طرح توانمندسازی در ۴ سکونتگاه از میان ۱۳ سکونتگاه غیررسمی کرمانشاه که دولت آباد یکی از آنهاست.
۲. تنوع قابل ملاحظه جمعیتی و قومی و مذهبی در این سکونتگاه که تا حدی امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر را برای محقق فراهم آورده است (لازم به ذکر است که ۳ سکونتگاه دیگر از این لحاظ قابل مقایسه با دولت آباد نیستند).
۳. آشنایی محقق با چند فرد صاحب نفوذ و کلیدی (توجه به این نکته ضروری است که انجام تحقیق بدون چنین افرادی در این مناطق کاری خطرناک و تا حدی غیرممکن است).

مطالعات اولیه این سکونتگاه‌ها توسط مهندسین مشاور تدبیرشهر در سال ۱۳۸۳ به اتمام رسید و در سال ۱۳۸۴ پروژه توانمندسازی در این چهار منطقه وارد فاز اجرایی شد. در این راستا پروژه‌های مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مورد توجه قرار گرفت که ارتقای خدمات و زیرساخت‌های محلات و نیز مشخص کردن مالکیت زمین و ساختمان، پروژه‌هایی در ارتباط با ساماندهی نهادهای اجتماعی، ایجاد و تقویت شوراهای و NGOها پیشنهاد گردید. در حوزه اقتصاد، پروژه‌هایی در قالب تشکیل تعاونی‌های تولید، آموزش حرفه و کار، ایجاد شبکه مشاغل خانگی و... در این مناطق مورد توجه قرار گرفت. ۶۷ پروژه خدماتی، ۳۲ پروژه زیرساختی، ۶۷ پروژه اجتماعی، ۳۶ پروژه اقتصادی و در مجموع ۲۱۲ پروژه در چهار منطقه فوق‌الذکر در نتیجه مطالعات صورت گرفته به تصویب رسید که در یک دوره پنج ساله یعنی تا حدود سال ۱۳۹۰ مراحل اجرایی آنها به اتمام می‌رسید (مطالعات توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرمانشاه، ۱۳۸۳: ۱۵).

توانمندی اقتصادی و امنیت اجتماعی:
در سکونتگاه غیررسمی، چندین مداخله

اقتصادی سبب بهبود یافتن نسبی وضعیت معیشت در این منطقه شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به احداث بازارچه خرید و فروش، ساخت مرکز فنی و حرفه‌ای، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای برای بانوان اشاره کرد. این نوع مداخله محصول مداخلات مشخص ستاد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی استان بوده است. علاوه بر این مداخله‌های مشخص، راه یافتن جوانان به آموزش عالی و بهبود وضع اقتصادی در اثر این عامل و توجه بیشتر به گسترش بازارهای رسمی و غیررسمی تا حدودی موجب بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی در این منطقه را فراهم نموده است. با این وجود، توانمندی اقتصادی در دولت آباد چه به صورت مداخلات مشخص در این چند سال و چه خارج از برنامه‌ریزی‌های مشخص برای این منطقه را نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد. بیکاری و مشاغل کاذب هنوز هم در دولت آباد پایدار می‌باشد و نمی‌توان از تغییرات گسترده اقتصادی در این سکونتگاه نام برد. با اینکه یکی از اهداف و چشم‌اندازهای طرح‌های توانمندسازی تحول بخش اقتصادی و توانمند نمودن افراد ساکن در این سکونتگاه‌ها جهت ورود به بازار کار می‌باشد، به اعتقاد بسیاری از افراد ساکن در دولت آباد هنوز هم وضعیت اقتصادی در این مناطق چندان مناسب نیست و نمی‌توان گفت که تأثیرات پروژه توانمندسازی در دولت آباد تا لحظه انجام این تحقیق چشمگیر بوده است. در مصاحبه‌های صورت گرفته با ساکنین دولت آباد تقریباً همه آنها معتقد بودند که روند تغییرات اقتصادی خانوارها در این منطقه به طور کلی مثبت نبوده است. در این بین نظر آنها در مورد تغییرات در میزان درآمد خانوارها، میزان پس‌انداز، میزان اشتغال زایی، افزایش قدرت خرید و میزان حرفه آموزی و سایر موارد مثبت نمی‌باشد. بسیاری از افراد در خانوارهای دولت آباد که سال‌ها از سن اشتغال آنها گذشته است از طریق سربار شدن بر روی درآمد یک نفر از اعضای خانوار گذران زندگی می‌نمایند.

از آنجایی که تحولات اقتصادی در این دوره چشم‌گیر نبوده است، نمی‌توان از آن به عنوان عامل تأثیر گذار جدی بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی نام برد؛ هر چند این گفته به معنای عدم تأثیر گذاری حوزه اقتصاد و بهبود وضعیت اجتماعی در این سکونتگاه‌ها بر روی امنیت اجتماعی نمی‌باشد، به خصوص که اقتصاد به عنوان یک زیرساختار بنیادی همواره بر روی شئون حیات انسانی و قطعاً امنیت اجتماعی اثر گذار خواهد بود. با این حال آنچه که می‌توان در این مورد خاص گفت آن است که در نتیجه پژوهش‌های صورت گرفته در میدان تحقیق و با تحلیل و بررسی نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته نمی‌توان به رابطه علی دقیقی بین دو متغیر توانمندی اقتصادی و امنیت اجتماعی رسید. هر چند تأثیرات خفیف ارتقای وضعیت اقتصادی دارای اثراتی بر روی شاخص امنیت مالی و جانی بوده است. شاخص امنیت جانی در

مواردی که ایجاد تهدیدات جانی به منظور سرقت از افراد بوده است، روندی نزولی داشته است. به تغییرات امنیت ناموسی و امنیت هویت در اثر این تغییرات اشاره‌ای نشده است.

توانمندی اجتماعی و امنیت اجتماعی: برای توضیح و تبیین تغییرات صورت گرفته در حوزه اجتماع، توانا شدن در این مورد را به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری دسته بندی می کنیم. منظور از تحولات سخت افزاری، هر نوع تغییری در فضا و کالبد سکونتگاه دولت آباد می باشد که موجب گسترش تعاملات اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی افراد شده است. تحولات سخت افزاری بخش مشهودتر و ملموس تر توانمندسازی اجتماعی می باشد. تحولات نرم افزاری بخش نامرئی و پنهان در روندهای اجتماعی، گسترش تعاملات اجتماعی ساکنین و افزایش سرمایه های اجتماعی درون گروهی و برون گروهی در این سکونتگاه است. آنچه که می توان در مورد توانمندی اجتماعی در سکونتگاه ها دولت آباد گفت استمرار وضعیتی دو گانه می باشد؛ دو گانگی بین بخش سخت افزاری توانمندسازی و مشارکت اجتماعی افراد و بخش نرم افزاری و غیر مشهود آن. در طی این دوران، توجه به سازمان ها و انجمن های محلی و تشکیلات شورایی در محلات مورد غفلت واقع شده است، و به جزء موارد معدودی همچون ایجاد سالن های ورزشی و نیز گسترش اماکن مذهبی در این قسمت کار مدون و مشخصی صورت نگرفته است. این موضوع، هیچ تقارن و تفاهمی با گسترش بخش پنهان و زیرین حوزه توانمندی اجتماعی ندارد. بخش نرم افزاری توانمندی اجتماعی در این دوران یک بخش بالنده و مناسب بوده است و دامنه تعاملات اجتماعی از شبکه های قومی و مذهبی و همسایگی گذر کرده و با درهم شکستن شبکه های بسیار منزوی و بسته قبلی در صدد از نو ساختن شبکه های تکامل یافته تر و گسترده تر می باشد.

با توجه به این تقسیم بندی از توانمندسازی اجتماعی، می توان افزایش میزان امنیت اجتماعی را بیشتر به همان حوزه نرم افزاری توانمندسازی اجتماعی مرتبط دانست تا حوزه سخت افزاری آن. هر چند در دیالکتیک پیچیده اجتماعی بین تغییرات فضایی و اجتماعی نمی توان از تأثیر گذاری تغییرات کالبدی در این منطقه و به ویژه بهسازی کالبدی و ایجاد مکان های جدید فرهنگی- اجتماعی بر بهبود روابط اجتماعی چشم پوشید. به هر حال تغییراتی که در حوزه اجتماعی در این سکونتگاه روی داده است، اثرات قابل توجهی بر روی شاخص های امنیت اجتماعی گذاشته است. این تغییرات در حوزه اجتماعی سبب شکل گیری سرمایه های اجتماعی درون گروهی (به شکل مثبت) و برون گروهی در میان ساکنین شده است. گسترش شبکه های ارتباطی غیررسمی و تشکیلات زیر ساختاری شبکه ای نیز از عوامل بسیار مهم اثر گذار بر روی امنیت اجتماعی است. این تشکیلات زیر ساختاری

شبکه ای که بین افراد در محله های دولت آباد وجود دارد و در اکثر موارد نیز افراد به آن اشاره نموده اند به مانند یک پلیس قوی و مخفی که کار کرد آن بسیار اثربخش تر از شکل های آشکار پلیسی می باشد، عمل می نماید. با توجه به اینکه انزوا و گوشه گیری افراد از عوامل بسیار مهم در ارتکاب جرم و ناامنی اجتماعی است هر عاملی که بتواند موجب افزایش مشارکت افراد و احساس تعلق جمعی شود، از آن می توان به عنوان عامل تقویت کننده امنیت اجتماعی نام برد. در کل توانمند شدن اجتماعی افراد بر روی همه شاخص های امنیت اجتماعی و به ویژه امنیت ناموسی و امنیت هویت اثر مثبت داشته است. از دلایل اثر گذاری بر روی امنیت ناموسی، حضور زنان و مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و شکستن فضای بیمار گونه قبلی در این سکونتگاه بوده است. امنیت هویت نیز به دلیل احساس تعلق جمعی به گروه های اجتماعی و داشتن حس تعلق به سایر افراد در اثر مشارکت درون گروهی و برون گروهی افزایش یافته است.

توانمندی فرهنگی و امنیت اجتماعی: دولت آباد در طی سالیان اخیر در زمینه گسترش فرهنگ شهری و شاخص های فرهنگی روند مناسبی داشته است. در حالیکه بخش اقتصاد به عنوان یک زیر ساختار اساسی، رشد متناسب و معقولی نداشته است، بخش فرهنگ به نسبت با یک جهش خیره کننده مواجه بوده است و این را در بسیاری از مؤلفه های فرهنگی می توان ملاحظه کرد. طی سالیان اخیر و به ویژه با مداخلات صورت گرفته چندین مکان فرهنگی و شبه فرهنگی شکل گرفته است که در تغییر سبک زندگی افراد در سنین مختلف در این منطقه نقش داشته است. منظور از به کار بردن اصطلاح «مراکز شبه فرهنگی» در اینجا، اشاره به اماکنی همچون پارک ها و مهد کودک ها، مکان های ورزشی و غیره می باشد. این مراکز

دارای کارکردهای انتقال فرهنگ می‌باشند. آنچه که تا سال‌ها در سکونتگاهی مانند دولت آباد مشاهده می‌شد، شکل‌های خفیفی از وندالیسم اجتماعی و تخریب محیط زیست بود. به عنوان نمونه، تا مدت‌ها اگر هم چراغی در جایی نصب می‌شد و یا اینکه امکاناتی جهت بهبود وضعیت شهر در اختیار ساکنین دولت آباد قرار می‌گرفت، تخریب و یا به سرقت می‌رفت. در طی دوران اخیر، تحولات صورت گرفته به ویژه در حوزه فرهنگ مانع از انجام چنین کارهایی شده است. افزایش حس تعلق به شهر، مانع از انجام اعمالی می‌شود که افراد را به تخریب اماکن عمومی وادار می‌نماید. احترام به محیط زیست نیز به عنوان یک امری که پیامد فرهنگ شهرنشینی است در این دوران رو به رشد بوده است. بسیاری از مصاحبه شوندگان اعتقاد دارند که ساکنان محلی به نسبت دوره‌های گذشته به حفظ و نگه داشت محیط زیست خود حساس می‌باشند و حتی در این راه تمایل به همکاری با سازمان‌های محلی و دولتی را دارند. در بسیاری از موارد مردم محلات به صورت خودجوش اقدام به بهبود مسائل زیست محیطی خود نموده‌اند که بارزترین آن دفع زباله‌ها با همکاری اهالی محل در چند سال گذشته در چندین محله دولت آباد بوده است.

علاوه بر فرهنگ توجه به محیط زیست، در تعامل اجتماعی نیز دولت آباد شاهد تغییرات مثبت فرهنگی بوده است. این تعاملات فرهنگی هم جنبه درون منطقه‌ای و هم جنبه برون منطقه‌ای یافته است؛ هر چند تعاملات درون گروهی به نسبت هنوز هم قوی‌تر است. بر اساس اطلاعات بدست آمده، احترام به حقوق همدیگر در روابط همسایگی و نیز در مکان‌های عمومی در درون منطقه، روندی افزایشی داشته است و سبک روابط اجتماعی از حالت ساده و غیر تکاملی به سبک جدید و مدرن شبه شهری

متمايل شده است.

توانمندی فرهنگی و تغییرات در آن را می‌توان مهم‌ترین عامل اثر گذار بر تغییرات امنیت اجتماعی دانست. در مصاحبه‌های به عمل آمده تقریباً همه افراد به یک عامل فرهنگی که در چند سال گذشته دولت آباد موجب افزایش امنیت اجتماعی شده است، اشاره کرده‌اند. هیچ کدام از عوامل مداخله‌هایی که در اینجا ذکر شده است به اندازه تحول در حوزه فرهنگ بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی اثر نداشته است؛ فرهنگ و توانمندی‌های این حوزه دارای تأثیرات بسیار نیرومند بر امنیت اجتماعی است. مذهب به عنوان یک عامل وحدت بخش و نیز با ارائه کدهای هنجاربخش به مؤمنان به عنوان یکی از عناصر هویت‌ساز هویتی-فرهنگی محسوب می‌شود. آنچه برای این تحقیق اهمیت دارد میزان تغییرات در پایبندی به مراعات اصول فردی و اجتماعی دین است. اکثر افراد دولت آباد مسلمان و معتقد به رعایت چارچوب‌های تعیین شده از طرف مذهب هستند، مذهب یک «دستگاه خودکنترلی» منظم است که رفتار و تفکر مؤمنان را کنترل می‌نماید. و آنان را ارتکاب اعمالی که تهدید کننده امنیت اجتماعی افراد باشد منع می‌کند. در دستگاه مذهبی اعمالی مانند قتل و تجاوز به جان انسان‌ها، دزدی و تجاوز به ناموس انسان‌ها به عنوان اعمالی زشت مطرح است که افراد را به خودداری از آن‌ها تشویق می‌نماید. علاوه بر این، افزایش گرایش‌های دینی و مذهبی در این دوره سبب شده است که دیگر نتوان از هویت معلق در میان ساکنین این سکونتگاه غیررسمی نام برد، بلکه آن‌ها به هویتی مشخص و با ثبات به نام هویت دینی از نوع اسلامی تعلق دارند.

بهسازی کالبدی-فضایی و امنیت اجتماعی: دولت آباد در طی چند سال اخیر مسیر تکامل کالبدی و فضایی را به خوبی طی کرده است و نمی‌توان از آن به عنوان سکونتگاه غیررسمی و یا حاشیه نشین و یا هر عنوان دیگری نام برد (هر چند عنوان سکونتگاه غیررسمی را هنوز به یادک می‌کشد). دولت آباد نمونه‌ای از یک سکونتگاه امید می‌باشد که روز به روز از جهت کالبدی و بهبود فضاهای زیستی رو به پیشرفت می‌باشد. سیستم‌های مکانیزه جمع‌آوری زباله، جدول گذاری خیابان‌ها و نیز بهسازی معابر عمومی نیز از جمله اقدامات مناسب در این دوران می‌باشد. روشنایی معابر و خیابان‌ها تا حد زیادی مناسب شده است و ساکنین دولت آباد اکنون در زیر یک شهر نورانی‌تر به حیات خود ادامه می‌دهند. گسترش پارک‌ها و فضای سبز در طی دوران اخیر چهره مناسبی به این سکونتگاه داده است. تأسیس بانک‌ها و گسترش مراکز دولتی و غیر دولتی و نیز تأسیس پاساژ و مغازه‌های بزرگ و با امکانات بیشتر از جمله دیگر این تغییرات کالبدی است. اما یکی از مهم‌ترین تغییرات که اثرات اقتصادی نیز بر روی منطقه داشته است، ایجاد بازارچه خرید و فروش در چهل متری بوده است. ساماندهی

دست‌فروشان که قبلاً در نزدیکی همان منطقه چهره نامناسبی به شهر داده بوده‌اند از جمله نکات مثبت در بهبود فضای شهری در این منطقه بوده است.

فضا به موضوعی بسیار مهم در مباحث و نظریه پردازی‌های اخیر علوم مختلف و به ویژه علوم انسانی بدل شده است. در این بین آنچه که برای این بخش از کار واجد اهمیت است، اثرات کارکردی و کثر کارکردی فضا بر روی مناسبات اجتماعی است. شهرها به عنوان مکان‌هایی که تولید کننده فضاهایی با کارکردهای متفاوت هستند بیش از همه

مورد توجه قرار دارند؛ در واقع توجه به موضوع فضا، اساساً بر روی نقاط شهری متمرکز است. با توجه به اینکه امنیت اجتماعی محصولی اجتماعی است که از فضاهای شهری نشأت می‌گیرد، هر گونه تغییر در فضاهای شهری بر روی امنیت اجتماعی اثر گذار است. فضاهای شهری دارای بسترهای مساعد کننده بر روی امنیت اجتماعی و ناامنی هستند. در این تحقیق شاهد اثرات ملموس این تغییرات فضایی بر شاخص‌های امنیت اجتماعی و به ویژه امنیت مالی، جانی و ناموسی هستیم. بر اساس مصاحبه‌های به عمل آمده بسیاری از تغییرات و به ویژه چراغانی شدن معابر و خیابان‌ها و پارک‌ها و نیز بهبود فضاهای شهری، امکان ارتکاب جرم و حضور مجرمان در نقاط شهری را به دلیل کم شدن فضاهای کور شهری کاهش داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این کار تحقیقی ضمن اینکه از دستاوردهای سایر محققان در زمینه‌های مختلف بهره گرفته است موضوعی تلفیقی و تا حدی می‌توان گفت منحصر بفرد را برگزیده است که به شکل دقیق نمی‌توان نتایج آن را با تحقیقات قبلی مقایسه کرد هر چند تحقیق ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت»، که تأثیر مثبت فضاهای شهری بر امنیت اجتماعی را منعکس می‌سازد با بخشی از نتایج بهبود فضا و آثار آن بر ارتقای امنیت اجتماعی همسو است. نتایج بسیاری دیگر از تحقیقات قبلی تا حدی با برخی از قسمت‌های این تحقیق همسویی مثبتی با این کار تحقیقی دارد که از جمله آنها خاتم، اعظم (۱۳۸۱) «سهم مردم، سهم دولت در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی محله»، که تبیین کننده مشارکت مردم و نگاه از پایین به بالا به توانمندسازی است، تحقیق علاءالدینی، پویا و همکاران (۱۳۹۰) «ارتقای وضعیت رفاهی اهالی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران: بررسی برخی فعالیت‌های اصلی در سطح ملی و تجربه بندرعباس» است. برخی تحقیقات نیز رویکردی منفی و نه چاره جویانه به مسئله ناامنی داشته است که بی شک این تحقیق وجه مشترک کمتری در نتایج بدست آمده با آن‌ها دارد.

نتایج کارهای نظری رابرت مرتن و عدم کارایی وسایل برای رسیدن به اهداف کارکردی از مهم‌ترین چارچوب‌های هدایت کننده تحقیق بوده است که اوج این بی تناسبی وسایل و اهداف را ما در سکونتگاه‌های غیررسمی شاهد هستیم. علاوه بر این کار دورکیم در زمینه علل بروز حالت آنومیک نیز راهنمای مناسبی برای کار ما بوده است و به ویژه تأکیدی که دورکیم بر افزایش حالت آنومی (برای تحقیق ما ناامنی) در جوامع دیپازونی (در اینجا سکونتگاه غیررسمی) دارد.

حاشیه نشینی، بحران کنونی و آینده شهرهای ایران می‌باشد که همه حوزه‌های حیات شهری به ویژه امنیت اجتماعی را تحت شعاع خود قرار خواهد داد. سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهرها به دلیل تمرکز و حجم گسترده مسائل و مشکلاتی که در آن‌ها وجود دارد، استعداد بالقوه‌ای برای ناامن کردن شهرها دارند. تا سال‌ها موضع گیری در قبال این سکونتگاه‌ها به ویژه در موضوع امنیت اجتماعی با سیاست‌هایی همچون تخریب و جابه‌جایی به دیگر نقاط شهری همراه بوده است. این سیاست‌های عقیم و شکست خورده نه تنها کمکی به موضوع امنیت اجتماعی به شکل خاص در این سکونتگاه‌ها و به شکل عام در همه نقاط شهری ننمود، بلکه با قطع سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی قبلی این ساکنین بر بحران ناامنی می‌افزود. در طی سال‌های اخیر اتخاذ رویکرد توانمندسازی در این سکونتگاه‌ها به جای رویکردهای قبلی، طلیعه درخشانی در سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یک پارادایم جدید مطرح است که در عرصه‌های جهانی نسبت به سایر رویکردها موفقیت و اقبال به مراتب بیشتری را کسب نموده است. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی با اثرگذاری بر روی شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی-فضایی به بنیان نهادن شرایط امنیت اجتماعی کمک می‌نماید، واقعیت امر آن است که حیات حاشیه‌نشینان از ابعاد چهار گانه فوق‌الذکر با کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هایی همراه است که شرایط را برای ناامن کردن جامعه فراهم می‌نماید. هر اندازه تغییر در هر کدام از حوزه‌های مذکور با تأثیرهای مضاعف بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی همراه می‌گردد.

فرهنگ از آن تأثیر می‌پذیرد. این گفته به معنای بی‌اثر بودن اقتصاد بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی نیست و می‌توان به این گفته قناعت کرد که در شرایطی که وضعیت اقتصادی تغییرات چندانی نداشته است، تغییرات در سایر حوزه‌ها و به ویژه حوزه فرهنگ بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی مؤثر بوده‌اند. علاوه بر این تغییرات، شرایط فضایی-کالبدی در این دوران رو به بهبود بوده و با توجه به تأثیر گذاری فضا بر روابط اجتماعی و در اینجا امنیت اجتماعی، می‌توان از آن به عنوان یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در تغییرات امنیت اجتماعی نام برد. علاوه بر این موارد، تحولاتی که در روابط اجتماعی و نوع روابط مشارکتی و گسترش سرمایه برون گروهی رخ داده است از دیگر عوامل مهم در ارتقای امنیت اجتماعی در این سکونتگاه بوده است. در نهایت توانمندسازی کلید گم شده تحقق یافتن امنیت اجتماعی است.

با اینکه انتخاب یک سکونتگاه به تنهایی نمی‌تواند بازگو کننده مداخله‌های صورت گرفته در دیگر سکونتگاه‌های شهری کشور و ارزیابی آن‌ها باشد، اما بدون تردید از بسیاری از جهات کمیت و کیفیت این مداخله‌ها مشابه و نزدیک به هم است. در این تحقیق با انتخاب یکی از سکونتگاه‌های هدف طرح‌های توانمندسازی به تغییرات در حوزه‌های مختلف توانمندسازی و اثرات آن بر امنیت اجتماعی پرداخته شد. با اینکه در سطح اجرایی، توانمندسازی در سکونتگاه دولت آباد با کاستی‌هایی همراه است، با این وجود در سطح فعلی نیز دارای اثرات قابل توجهی بر روی شاخص‌های چهار گانه امنیت اجتماعی بوده است. آنچه که مشخص است این است که با نزدیک شدن به تیپ ایده آل توانمندسازی که با جامعیت و اثربخشی گسترده همراه است، می‌توان به چشم انداز شهر پایدار و ایمن نزدیک شد. هر چند تمیز دادن دقیق اینکه کدام عامل از متغیر مستقل بر روی کدام شاخص امنیت اجتماعی (با توجه به دیالکتیک گسترده و پیچیدگی‌های حوزه انسانی) مؤثر بوده است، کاری دشوار است اما در همین تحقیق به دنبال این تفکیک نیز بوده‌ایم. آنچه که در این تحقیق و در رابطه بین متغیر مستقل و وابسته قابل توجه می‌باشد این است که حوزه ارتقای فرهنگی و توانمند شدن فرهنگی ساکنین از مهم‌ترین شاخص‌های اثر گذار بر روی امنیت اجتماعی بوده است و این نشان دهنده آن است که همواره و در همه مناسبات اجتماعی نمی‌توان از اقتصاد به عنوان زیر ساختار اساسی نام برد که

منابع

- Athari K. "Justice in the region" Journal of Urban Development and organization Haft Shahr 2002; 3 (9,10)
- Irandoost K. "Survey of short term experience of empowerment of sample of informal settle-ments of Kermanshah" Journal of Geography and Development, (2010) (20):59-78
- Irandoost K. "Informal Sector Importance in Poor Communities Enabling, Journal of Urban De-velopment and organization Haft Shahr 2008; 2 (23,24): 40-49
- Irandoost K and Sarafi M. "Hope and Disappointment in sample of informal settlements in Kermanshah" Journal of Social Welfare. 2007; 7 (26) :201-222
- Empowerment and Organizing of Informal settlements writ, Approved by the Committee of Ministers of Iran 2003, Department of Housing and Urban Development, Secretariat of empowerment of informal settlements
- Sarookhani B and Navidnia M. "Social security of family and residence" Journal of Social Welfare. 2006; 6(22) :87-107
- Alaedini P and Aminnaseri A. "Mashhad's Informal Settlements: Examining Current Conditions and Past Improvement Initiatives" Journal of Urban Development and organization Haft Shahr 2008; 2 (23,24) :76-87
- Kolahchian M. "Strategies to substantiation of social security" 2009; Journal of Social security (18) :63-90
- Flick U. "An Introduction to Qualitative Research" Translate: Jalili H. Tehran, 2008
- Kosari M and Hosseini S. "Potential of social Anomie in Marginalized sections of Tehran" Islamic Azad University, Tehran, 2009.
- Naghdi A. and Sadeghi R. "Marginalization, A challenge for Sustainable urban Develop-ment" Journal of Social Welfare. 2006; 5 (20):213
- Anjou.Malhatra & Sidney. Ruth, Schuler (2002) "Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development" Jun28
- UN-HABITAT (2003) "The Challenge of Slums" www.UN-HABITAT.ORG
- UN-HABITAT (2008) "The State of World Cities" 2008-2009, www.UN-HABITAT.ORG